

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال ششم، شماره‌ی بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۸۷-۱۱۳

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت

سیدحسین رضوی خراسانی*، محمدرضا نصیری**
داریوش رحمانیان***، علیرضا علی صوفی****

چکیده

«لوطی» و «لوطی‌گری» در فرهنگ و مناسبات اجتماعی شهری ایران، تاریخی دیرپا و بنیاد و آبخور این پدیده اجتماعی و فرهنگی عمری به درازای تاریخ «جوانمردی» دارد. لوطیان به عنوان میراث زوال یافته «عباری» و «فتوت» عامل همیشه حاضر در بسیاری از آشوب‌ها و حوادث سیاسی دوره‌ی قاجار، به‌ویژه حوادث مشروطیت بودند. پژوهش حاضر ضمن بررسی پایگاه اجتماعی لوطیان، کارکردهای آنان در دوره‌ی قاجار را مورد بررسی قرار داده و دلایل مشارکت و انگیزه‌های آنان در فرایندهای سیاسی را تحلیل نماید. در ضمن، سعی دارد دو رویکرد لوطیان بر حوادث مشروطه تهران و حامیان آنها را مورد نقد و مطالعه قرار دهد؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ساختار حکومتی دولت قاجار و نیز بافت و ساخت سنتی شهرهای ایران به همراه دسته‌بندی‌های سیاسی و مذهبی جامعه و سنت‌های برآمده از فرهنگ سنتی لوطیان، یکی از مهم‌ترین دلایل حضور آنان در آشوب‌های شهری بوده است.

واژه‌های کلیدی: لوطیان، نقش، تهران، شورش، مشروطیت.

* دانشجوی دوره دکترای تاریخ (نویسنده مسئول) (h.Razavi.1965@gmail.com)

** استاد دانشگاه پیام نور تهران (secretary@persianacademy.ir)

*** استادیار دانشگاه تهران (rahmanian@ut.ac.ir)

**** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور (ar.soufi@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱ تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

مقدمه

فقر مطالعات تاریخی درباره‌ی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی به ویژه لایه‌های زیرین جامعه سبب فقدان تحقیقات کافی و وافی در حوزه مطالعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره‌ی قاجار و سایر دوره‌های تاریخ ایران شده است. لوطیان در اغتشاش‌های سیاسی و شورش‌های شهری عصر قاجار، عنصری همیشه حاضر و فعال بودند. آنان ابزاری بودند در برقراری عدالت اجتماعی و همواره خود را مدافع ضعفا و حامی فقرا نشان داده‌اند و این مسئله یکی از مهم‌ترین دلایل نفوذ آنان در میان طبقات تنگدست جامعه و قدرت بسیج توده‌های فقیر و محروم جامعه بوده است. آنان از بازماندگان زوال یافته فرهنگ ریشه‌دار «جوانمردی»، «فتوت» و «عیاری» روزگاران پیش از خود بودند که با وجود اضمحلال و انحطاط شدید اخلاقی، هنوز از برخی خصلت‌های اسلاف خود نظیر شجاعت و بی‌باکی و قدرت سازماندهی، بی‌بهره نبودند. پژوهش حاضر سعی دارد ضمن تبیین جایگاه اجتماعی لوطیان، کارکردهای سنتی و سپس کارکردهای منفی یا «کژکارکردهای» آنان را تبیین نماید. سپس علل و انگیزه‌ها و ضرورت حضور و مشارکت لوطیان در تحولات سیاسی و اجتماعی را با تکیه بر عواملی چون ساخت سنتی جامعه قاجار، نظام حکومت، رقابت‌های خاندان‌های با نفوذ محلی، ساختار شهرنشینی در ایران، تشکیلات سازمانی و فقدان نظام پلیس کارآمد، مورد بررسی قرار دهد. در بخش بعدی این پژوهش رویکرد لوطیان در حوادث مشروطه تهران و دسته‌بندی‌های آنان همراه با روایت تاریخی حوادث، مطرح می‌شود. در واقع پژوهش حاضر به دنبال پاسخ بدین پرسش‌ها است که دلایل حضور لوطیان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی عصر قاجار چیست؟ و لوطیان در حوادث مشروطه تهران چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ فرضیه ما بر این استوار است که لوطیان دوره قاجار به دلایل متعدد؛ نظیر تشکیلات منسجم، ویژگی‌های شخصیتی نظیر شجاعت و بی‌باکی، ساخت جامعه سنتی و ساختار حکومت، بی‌تردید عنصر همیشه حاضر و فعال در تحولات سیاسی دوره قاجار، به ویژه مشروطیت بودند.

فقدان منابع کافی، دشواری و عدم مرزبندی دقیق گروه‌های حاشیه‌ای به لحاظ کارکردهای دقیق سیاسی و اجتماعی سبب شده مطالعات منسجم، دقیق، علمی و جامعی در

باب لوطیان صورت نگیرد؛ اما در این راه با وجود همه دشواری‌ها، پیشگامانی اقدامات اولیه‌ای را انجام داده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین پیشگامان، لمبتون^۱ است که در جامعه اسلامی در ایران، لوطیان را از اخلاف عیاران می‌داند. می‌گوید^۲ در یادداشت‌های خود اطلاعات فراوانی را در باب لوطیان ارائه می‌دهد؛ اما در تبیین نقش دقیق آنان چندان موفق نبود. آراسته در «مقاله، اخلاق، سازمان و نقش اجتماعی لوطیان در جامعه سنتی ایران سده نوزدهم» در واقع ترجمه بخشی از آثار عبدالله مستوفی را در شرح زندگانی من ارائه کرده است. ویلم فلور^۳ در جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران عصر قاجار در دو بخش سیاسی و اجتماعی لوطیان را مورد بررسی قرار داده است. او مهم‌ترین کارکرد لوطیان را در دوره‌ی قاجار «شورش» می‌داند. این اثر، تأثیر فراوانی بر مقالات و آثار پس از خود گذاشته است، اما با همه دقایق و ظرایف، از شتابزدگی به دور نیست. اصغر فتحی در مقاله «تأثیر لوتی در جنبش مشروطیت ایران» با محوریت لوطیان تبریز نکاتی جدید و برجسته‌ای را ارائه کرده است، اما به دلیل محصور بودن، در حوادث تبریز طرحی کلی از سیما و نقش لوطیان در دوره قاجار ارائه نمی‌دهد، با این وجود، از آثار درخور توجه است. حامد الگار^۴ در کتاب دین و دولت، به پیوند لوطیان اصفهان و سیدمحمد باقر شفتی تاکید دارد؛ صرف‌نظر از برخی شتاب‌زدگی‌ها، بررسی برخی از جزئیات حضور لوطیان در آشوب‌های اصفهان در دوره محمدشاه، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. ونسا مارتین^۵ در فصل ششم کتاب خود، عهد قاجار، مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم، با عنوان «لوطی‌ها، تنگدستان لجام گسیخته‌ی شهری» مطالب دقیق و قابل تأملی را مطرح می‌کند؛ اما با وجود این به دلیل موجز و مختصر بودن به بسیاری از ابعاد حضور لوطیان به‌ویژه در مشروطیت پرداخته نشده است. سهراب یزدانی در کتاب مجاهدان مشروطه، مطالب بسیار ارزشمند و دقیق در باب حضور لوطیان در حوادث مشروطه تبریز

1. Lambton

2. Migeod

3. Wellem floor

4. Hamed Ollgar

5. Martin Vanesa

ارائه کرده است. گاوین همبلی^۱ در فصل سیزده جلد یازدهم کتاب *ایران کمبریج*، مطالبی درباره انجمن لوطیان ارائه کرده است که بسیار موجز و فاقد تحلیل اجتماعی و تاریخی کافی است.

مقاله‌ای درباره‌ی نقش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی لوطیان توسط نادره جلالی تحت عنوان «لوطی‌گری در عصر قاجار» و محمدرضا جوادی یگانه و همکاران تحت عنوان «مرام و مسلک لوطیان» که به‌شدت از مقاله جلالی تأثیر پذیرفته، تألیف شده است که هر دوی این مقالات، کلی و شامل موضوعات متنوع هستند و از عمق کافی برخوردار نیستند. مقاله «پدیده‌ای به نام لوطی در عصر قاجار نگاهی علی‌بلوکباشی در سطح نازل‌تری از دو مقاله فوق‌الذکر قرار دارد.

مقاله آژند در باب لوطیان هنرمند با عنوان «نمایش ارباب معرکه» از نظم و اصول منطقی خوبی برخوردار است. مقاله نادر رزاقی و ولی دین پرست «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت» اطلاعات خوبی در باب حضور لوطیان در حوادث مشروطه ارائه می‌دهد، اما از تحلیل مناسب برخوردار نیست و به زمینه‌های حضور اجتماعی آنان نپرداخته است. اخیراً مقاله‌ای توسط نگارندگان پژوهش حاضر در باب نقش لوطیان در حوادث و آشوب‌های اصفهان در دوره زمانی ۱۲۶۷-۱۲۴۰ ق، چاپ و منتشر شده است که از جهت جامعیت و تحلیل حوادث و مستندات قوی، از سایر مقالات مطروحه عمیق‌تر و دقیق‌تر است. جدای از برخی مقالات دیگر که چندان از عمق کافی برخوردار نیست و به دلیل محدودیت حجم مقاله از ذکر آنها خودداری می‌شود، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «لوطی و لوطی‌گری در عهد قاجار» توسط ربابه معتقدی تألیف شده که گامی بسیار اولیه در شناخت این پدیده اجتماعی است. پژوهش حاضر به لحاظ تمرکز بر روی حوادث مشروطه تهران، بررسی علل و انگیزه‌های مشارکت لوطیان در فرایندهای سیاسی، پایگاه اجتماعی و کارکرد لوطیان و کمیت منابع از آثار دیگر، برتری دارد و کارکردهای لوطیان در دوره‌ی قاجار را با تکیه بر منابع جامعه‌شناختی منطبق و تحلیل می‌کند.

تعریف لوطی^۱

ارائه یک تعریف جامع و مانع که در برگیرنده همه‌ی جامعه‌ی لوطیان و نیز مانع ورود افراد غیرلوطی در آن باشد کار دشواری است؛ زیرا در دوره قاجار، گروه‌های متعددی از افراد نظیر خرس‌بازان و میمون‌چرخان‌ها، شیرگردان‌ها و مارگیران، شعبده‌بازان و نوازندگان دوره گرد نیز مشهور به لوطی بودند.^۲ و از سویی، بدنامان مشهور به لواط‌کار، غلامبار، هرزه‌کار، قمارباز و شراب‌خواره را نیز در زمره لوطیان قلمداد کرده‌اند.^۳ از دیگر سو در بسیاری از فرهنگ‌ها، لوطی و لوطی‌گری^۴ به معنای جوانمرد و جوانمردی، بخشندگی، آزادگی، رفتار جوانمردانه و نیز به معنای کسی که با سخاوت و دارای علو طبع و بی‌باک و شجاع، آمده است.^۵ در واقع، واژه لوطی مشترک لفظی برای گروه‌های متنوع با کارکردهای نسبتاً متفاوت است. لوطی و لوطی‌گری یک پدیده اجتماعی شهری دیرپا در حیات اجتماعی جامعه ایرانی است که درک و فهم کارکردهای آنان، متضمن بررسی عمیق‌تر آنان در زمینه گسترده‌ای از تاریخ اجتماعی ایران است.^۶ منظور نظر ما از لوطیان در این پژوهش، اشاره به گروهی در دوره‌ی قاجار است که نقش بسیار آرمانی آنها را باید در عیاران و اهل فتوت دوره‌های پیش از دوره قاجار جستجو کرد.^۷

در واقع لوطیان یا طبقه معروف به داش و مشدی‌های دوره قاجار، تشکیلاتی بودند از جریان نیرومند عیاری و فتوت که هنوز در برخی از آنان رگه‌هایی از ارزش‌های پهلوانی

1. Luti

۲. دهخدا (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۲، ص ۱۷۴۹۱؛ جیمز فریزر (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس، ص ۱۹۳؛ موريس دوکوتز بوئه (۱۳۴۸)، *مسافرت به ایران*، ترجمه محمود هدایت، تهران: امیرکبیر، ص ۷۷-۷۸؛ اوژن اوبن (۱۳۶۲)، *ایران امروز، سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص ۲۴۴-۲۵۲.

۳. *لغت‌نامه*، همان؛ نفیسی (ناظم‌الاطباء) (۱۳۷۵)، *فرهنگ نفیسی*، تهران: خیام، ج ۴، ص ۲۹۹؛ محمد معین (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ص ۳۶۵۲.

4. Lutigari

۵. *لغت‌نامه*، همان؛ فرهنگ فارسی.

۶. لمبتون (بی‌تا)، *نگرشی بر جامعه اسلامی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، ص ۱۸.

7. Fottovvat

الهام بخش بود و ارزش‌هایی چون شجاعت، وفاداری، پاکدامنی و حفاظت از محله و شهر و عدالت آنان را مجذوب می‌ساخت.^۱ اعضا این گروه می‌کوشیدند بر طبق مرام جوانمردی یا لوطی‌گری زندگی کنند. هر کس برای دستیابی به امتیاز جوانمرد می‌بایست به حمایت از ضعیف و مخالفت با ستم‌گر برافرازد، به وعده خود وفا کند و به راستی سخن گوید. جوانمرد می‌بایست نسبت به حطام دنیوی بی‌اعتنا باشد و از دوستان خود هیچ چیز را مضایقه نکند؛^۲ البته در جوار این گروه از لوطیان، تعداد قابل توجه‌ای به فساد گراییده و با از دست دادن ارزش‌های اخلاقی به عنوان ابزار نیرومند اصحاب قدرت در منازعات سیاسی و مذهبی به خدمت گرفته شدند.

پایگاه اجتماعی و کارکرد لوطیان

لوطیان، جماعتی سلحشور بودند که گاه گردنکشان زورگو نیز در میانشان حضور داشتند و بعضاً با داروغه و مأموران دولتی در ستیز بودند؛^۳ اما به واسطه یک سلسله ویژگی‌ها از اوپاش متمایز می‌شدند. اوپاش فاقد خصلت‌های جوانمردی بوده و عموماً بیکار و زندگی انگلی داشتند و از ارتکاب به هرگونه بزه و تبهکاری روی گردان نبودند.^۴ در بین لوطیان نیز افراد بیکار یا باج‌گیر دیده می‌شدند، اما بیش‌تر آن‌ها از دسترنج خود نان می‌خوردند. گاه

۱. ونسا مارتین (۱۳۹۰)، عهد قاجار، مذاکره، اعتراض و دولت در ایران، ترجمه حسن زنگنه، تهران: ماهی، ص ۱۴۹؛ عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۷)، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۰؛ پروین ترکمنی‌آذر و صالح پرگاری (۱۳۷۸)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان، تهران: سمت، ص ۱۵ و نیز نک:

A.K.S., Lamton, (1945), *Islamic society in Persia*, axford. P262; Boinin, Micheale and keddie, Niki, (1981), *Modern Iran, the dialectics of continuity and chang*, published by university of New Yorurk press P.83.

۲. عبدالله مستوفی (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجار، ج ۱، تهران: کتاب هرمس، ص ۴۴۵؛ ویلم فلور (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ص ۲۵۴.

۳. کسروی (۱۳۵۱)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، ص ۴۹۱-۴۹۰؛ نادر میرزا (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به‌کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: ستوده، ص ۳۰۵-۳۰۴.

۴. سهراب یزدانی (۱۳۸۸)، مجاهدان مشروطه، تهران: نی، ص ۳۰.

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت ۹۳

به واسطه مرام و مسلک لوطیان و با بهره‌برداری از نفوذ و قدرت آنان، افرادی از طبقات و لایه‌های بالای جامعه و حتی در مواردی شاهزادگان و بازرگانان بزرگ به جرگه آنان می‌پیوستند.^۱ سال ۱۳۰۳ ق. با ۱۵ نفر از لوطی‌های تهران به گونه‌ای رفتار می‌شد که گویی به طبقه اعیان و اشراف تعلق دارند.^۲ آقا عزیز، شاهزاده قاجاری، به شدت مورد احترام بود.^۳

برای تبیین حضور لوطیان در حیات اجتماعی دوره‌ی قاجار، از نظریه کارکردگرایی پارسونز،^۴ و نظریه کژ کارکرد یا بی‌کارکرد مرتن^۵ استفاده شده است. اساس نظریه کارکردگرایی بر این اصل استوار است که دوام و بقای کلیه‌ی گروه‌ها، سنت‌ها و نهادهای اجتماعی، به کار یا وظیفه‌ای است که در نظام اجتماعی کل برعهده دارند.^۶ یعنی اگر کارکردی برای آنان تصور نشود ضرورتی برای بقای آن باقی نمی‌ماند. در جامعه سنتی و ما قبل صنعتی دوره قاجار، افراد نسبت به محله‌ی سکونت‌گاه خود ابراز وفاداری می‌کردند. سایر شهرنشینان ایران در «محله دوستی» یکسان بودند.^۷ اهالی این محلات به شیوه‌های

۱. شرح زندگانی من، ص ۴۹۹، ۴۵۰.

۲. عهد قاجار، ص ۱۵۰-۱۴۹.

۳. کسی که مورخی چون افضل‌الملک در *افضل‌التواریخ*، خواسته او را به واسطه ویژگی‌های برجسته اخلاقی و شجاعتش نامدار کند و در تاریخ او را پرآوازه سازد و کسی که علی اکبر دهخدا در روزنامه صور اسرافیل، او را به واسطه کمالات اخلاقی و آزادگی‌اش، ستایش کرد.

4. Parsonz

5. Merton

۶. آنتونی گیدنز (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری*، تهران: نی، ص ۵۵۵؛ جرج

ریتز (۱۳۸۲)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۴۱-۷؛ حسین

ابوالحسن تنهایی (۱۳۸۲)، *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مشهد: مرنديز، بامشاد؛ ص ۶۷؛

غلامعباس توسلی (۱۳۸۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت؛ صدیق سروستانی و دیگران (۱۳۷۳)،

درآمدی بر جامعه‌شناسی/اسلامی، تاریخچه جامعه‌شناسی، تهران: سمت، ص ۴۰۱؛ تیم دیلینی (۱۳۸۸)،

نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نی، ص ۲۵۳.

۷. جستارهایی از تاریخ اجتماعی، ص ۲۷۷.

گوناگون، خود را از افراد محلات دیگر متمایز می‌ساختند. این تفاوت‌ها طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و گروهی و مذهبی بود.^۱ گروه‌های لوطی در محلات مختلف شهر ساکن بودند و وظایف متعددی را برعهده داشتند. به قول مستوفی «دستگیری از ضعیف، کمک به مردمان درمانده و عفیف و پاکدامن، تعصب کشی از افراد جمعیت و اهل کوچه و محله و بالاخره شهر.... از اخلاق خاصه داشی بود».^۲ گروه‌های لوطی در محلات شهر با یکدیگر رقابت داشتند. بدون تردید روابط خانوادگی، طایفه‌ای، مذهبی خاستگاه محلی و شغلی بین لوطی‌های یک محله همدلی به وجود می‌آورد و آن‌ها را موظف می‌کرد تا به یکدیگر در مواقع لزوم یاری رسانند.^۳ پاتوق معمول لوطی‌ها برای مشورت و تبادل نظر، یکی از قهوه‌خانه‌های محله‌شان بود. لوطی‌ها در حمایت و وفاداری و سرسپردگی به محله خود، جوش و خروش فراوانی از خود نشان می‌دادند و به آن افتخار می‌کردند. به‌خصوص این احساس افتخار هنگام مناسبت‌های مذهبی، چه در اعیاد و چه در سوگواری، به نمایش می‌گذاشتند. مستوفی می‌نویسد: «سینه‌زنی و دسته‌گردانی که عزاداری مخصوص این آقایان بود، تزئین و طاق نماهای تکیه‌های محلات تماماً به سعی و همت این مردمان ساده و با ایمان صورت می‌گرفت».^۴ یکی از کارکردهای مشخص لوطیان، شرکت شجاعانه در نزاع‌های فرقه‌ای در سلسله حیدری و نعمتی بود.^۵ لوطی‌ها عموماً از محله خود علیه تجاوز و خشونت دفاع می‌کردند. جنگ بین محلات مختلف امری رایج بود.^۶ از دیگر کارکردهای لوطیان این بود، که گاه به عنوان بازوی اجرایی رهبران محلی نظیر کلانتر،

۱. همان‌جا.

۲. شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۴۴۵.

۳. عهد قاجار، ص ۱۵۰.

۴. شرح زندگانی من، ص ۴۴۵.

۵. برخی از منابع، حیدری‌ها را پیروان قطب‌الدین حیدرتونی عارف سده‌های ششم و هفتم خراسان بزرگ و برخی دیگر مرید سلطان میرحیدر تونی و نعمتی‌ها را پیرو شاه نعمت‌الله ولی می‌دانند. نک: مجاهد/ن

مشروطه، ص ۲۹.

۶. عهد قاجار، ص ۱۵۰.

مجتهد و دیگران، وظایفی نظیر گردآوری مالیات و مالیات شرعی نظیر خمس و زکات را برعهده می‌گرفتند.^۱ یکی از کارکردهای لوطی‌ها، مبارزه با گران‌فروشی و اجحاف و تعدی بود.^۲ این کارکردها لزوم ضرورت حضور لوطیان را عینیت می‌بخشید. مرتن، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز برجسته، واژه‌های «بی‌کارکردی» و «کژکارکردی» را به دنبال نظریه کارکردی پارسونز مطرح کرد. او در تبیین واژه «بی‌کارکرد»، می‌گوید: «کارکردهایی که در گذشته پیامدهای مثبت یا منفی داشته اما در جامعه معاصر هیچ اثر مهمی ندارند»^۳ به این معنا نه اگر کارکردهای سنتی و معمول حذف بشوند ممکن است طی شرایطی تبدیل به کارکردهای منفی و متعارض شوند. کارکردهای سنتی لوطیان در اثر عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی و نظامی به مرور تبدیل به بی‌کارکرد شدند. توسعه نیروی پلیس و نظمیه، افزایش قدرت مرکزی، توسعه سیستم‌های اداری و شیوه‌های جدید دریافت مالیات بتدریج کارکردهای سنتی آنها را کم‌رنگ ساخت و زمینه را برای کج کارکردی آنان فراهم ساخت. به مرور با افول آرمان‌های عدالت‌خواهانه، کم‌کم همه جور افراد تبه‌کار، دغل و دزد در میان‌شان راه یافتند. دزدی، جنایت و قتل از بارزترین اشکال کژ کارکردی لوطیان بود. گاهی قتل مقامات حکومت نظیر داروغه و یا فراش‌باشی که مردم را به ستوه آورده بودند قهرمانانه و مورد ستایش مردم و شعرا واقع می‌شدند.^۴ در جامعه استبداد زده قاجار، افراد از هیچ پشتیبان قانونی برخوردار نبودند و جان و مال و حیثیت آنان دستخوش تهاجم و تجاوز اصحاب قدرت بود و نهادهای ابتدائی از قدرتمندان در برابر ستم‌دیدگان حمایت می‌کردند؛ لذا در چنین جامعه‌ای، لوطی‌گری مرام و منشی بود که سبب کاهش ستم حاکمیت بر

۱. جستارهایی از تاریخ، ص ۲۸۱؛ حاج سیاح (۱۳۴۶)، *خاطرات یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌اله گلکار، تهران: ابن‌سینا، ص ۵۴.

۲. مشهور است وقتی لوطیان دادخواهی افراد محله را از گرانی نان و اصناف نانواها شنیدند، یکی از لوطی‌ها، نانوايي از نانواهای بازارچه را از دکان بیرون کشیده و گوشش را روی دیوار گذاشت و با یک میخ آن را به دیوار دوخت؛ ناصر نجمی (۱۳۷۰)، *طهران عصر ناصری*، تهران: عطار، ص ۵۶۲.

۳. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ص ۱۶۴.

۴. *تاریخ مشروطه ایران*، ص ۴۹۱-۴۹۰؛ *تاریخ و جغرافیای تبریز*، ص ۳۰۵-۳۰۴.

شهرنشینان فرودست می‌شد.^۱ یکی از بارزترین کژکارکردهای لوطیان، ایجاد شورش بود. در نظام استبدادی قاجار، شورش، یکی از راه‌های مؤثر تحمیل اراده مردم بر صاحبان قدرت بود و حکومت به خاطر هزینه‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از بی‌نظمی از آن وحشت داشت. نیروی عملیات این شورش‌ها لوطیان بودند و شرکت آنان برای هماوردی و نبرد با نیروهای نظامی و بی‌رحم دولتی عنصری حیاتی به شمار می‌رفت.^۲ به قول فلور، جامعه‌ی ماقبل صنعتی ایران از جهت ایجاد شورش‌ها، به لوطیان نیازمند بود.^۳ این واکنش، نتیجه نارسایی موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه قلمداد می‌شود.^۴ شاید بتوان این موضوع را با این سخن کاتوزیان کامل کرد که «دولت غیرمسئول و جامعه متهم دو روی یک سکه‌اند».^۵

کژکارکردی برخی از لوطیان و حتی نزول آنها به سطح اوپاش، سبب شده برخی از سیاحان غربی همه‌ی اقدامات غیرقانونی از قبیل، قتل، دزدی و جنایت را به لوطیان نسبت دهند. به‌طوری که آشر،^۶ مانزی،^۷ بروگش^۸ و بینینگ^۹ آنان را بشدت مخرب و منفی جلوه می‌دهند.^{۱۰} پرکینز^{۱۱} می‌نویسد: «گاه تخطی‌های لوطیان آنقدر بیشمار و وحشتناک است، که به ندرت هفته‌ای می‌گذرد که در طی آن در شهر یا همسایگی ما مرتکب جنایات نشوند».^{۱۲} آشر در اواخر سده سیزدهم هجری، لوطی‌ها را افرادی دزد، جیب‌بر، بیکار و

۱. مجاهدان مشروطه، ص ۳۱-۳۰.

۲. همان، ص ۱۶۳.

۳. جستارهایی از تاریخ، ص ۲۷۷.

۴. بروس کوئن (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، ص ۱۴۷.

۵. همایون کاتوزیان (۱۳۷۹)، دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ص ۲۴.

6. Asher

7. Manzi

8. Brogesh

9. Bining

۱۰. عهد قاجار، ص ۱۶۴.

11. Perkins

12. Perkins: 1943 A residence of eight years in Persia among the Nestorian christians etc. And over, P.292.

بیعار و دغل یاد می‌کند.^۱

علل و انگیزه‌های مشارکت لوطیان در فرایندهای سیاسی و انقلاب مشروطیت

بررسی علل و عوامل حضور لوطیان در فرایندهای سیاسی و مشروطیت از چند جنبه حائز اهمیت است.

۱. با وجود عدم یک تفکر سازمان یافته در میان لوطیان، مرام اخلاقی و اصول و ضوابط متأثر از روح جوانمردی و روحیه عدالت‌خواهی سبب می‌شد آنان نسبت به برخی حوادث سیاسی دوران خود بی‌تفاوت نبوده و واکنش نشان دهند. در بین لوطیان اعتقاد به عدالت، ریشه داشت و دعوی مشروطه‌خواهان در باب براندازی حکومت ظلم و ستمکار و وعده برپایی عدالت برای لوطیان جذاب بود.^۲ بخشی از تحرکات لوطیان ایران در دوره قاجار به‌ویژه در آشوب‌های اصفهان در دوره فتحعلیشاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه، قتل‌گریبایدوف و اعضای سفارت‌خانه روسیه، حوادث تنباکو و مشروطه ناشی از این خصیصه آنان بود. فریزر پس از حادثه‌گریبایدوف می‌نویسد: «لوطی‌های تهران نه انگلیسی می‌شناسند نه روسی و هر کسی را که به گمان خودشان برداشت‌شان به نفعشان باشد از میان برمی‌دارند و چنین فرصت خوبی را از دست نمی‌دهند».^۳ لوطی‌های پرآوازه حتی پیش از ظهور جنبش مشروطه ارزش نمادین (سمبولیک) مهمی داشتند، آنان همواره برای تهیدستان و ستم‌دیدگان که اسیر نظام ظلم ارباب و رعیتی و خودکامه بودند، اسطوره‌ای دلکش و حماسه‌ای جذاب بودند.^۴

۱. عهد قاجار، ص ۱۴۶.

۲. مجاهدان مشروطه، ص ۶۰؛ عهد قاجار، ص ۱۵۲-۱۴۸؛ شرح زندگانی من، ص ۴۴۵.

۳. سفرنامه فریزر، ص ۹۲.

۴. اصغر فتحی، «تأثیر لوتی در جنبش مشروطیت ایران» ترجمه رسول عریخانی، س ۶، ش ۲۱، ۱۳۹۱، ص ۴۶.

۲. بخشی از دلایل حضور لوطیان در حوادث سیاسی، ناشی از ساختار حکومت در ایران عصر قاجار بود. در این دوره، بخش کوچکی از نخبگان سیاسی (حاکمیت) بر بخش وسیعی از کشور مسلط بود و از سویی ارتباط بین بخش‌های متعدد کشور مطلوب نبود. دولت به واسطه ضعف اداری و سیاسی ناچار بود به طرز گسترده‌ای ایجاد حکومت‌های محلی و سطحی از عدم تمرکز در حکومت را مجاز شمارد.^۱ حکومت مرکزی قادر به کنترل رهبران محلی نبود و بنابراین ناچار بود برای حفظ موازنه قدرت، آنها را به جان هم اندازد و در برخی از موارد، برای حفظ نظم و تأمین مالیات با آنها قرار موقت می‌بست.^۲ لوطیان یکی از مؤثرترین ابزار لازم به منظور ایجاد نزاع‌های سیاسی در شهرها، محلات و میان نخبگان سیاسی و مذهبی بودند. ضعف حکومت قاجار به برخی از لوطیان و گروه‌های اوباش این امکان را می‌داد تا در عرصه سیاست تجلی کنند.^۳

۳. بخشی از دلایل حضور لوطیان در عرصه سیاسی، ناشی از رقابت خانواده‌های با نفوذ محلی و مذهبی با درباریان بود.^۴ هر رهبر مهم محلی، گروهی از لوطیان و اشرار را آماده خدمت داشت. این گروه، به واسطه شجاعت و بی‌باکی و استفاده از سلاح و رشادت فراوان، همواره مورد توجه نخبگان سیاسی و مذهبی و خاندان‌های با نفوذ بودند. به عنوان نمونه امام‌جمعه تهران لوطیان فراوانی را در اختیار داشت و آنها را در مسجد پناه می‌داد.^۵ سید محمد باقر مجتهد، مشهور به شفتی، در میان لوطیان پایگاه بسیار مستحکمی داشت.^۶ در شیراز خانواده قوام، برای حفظ حکومت خود به قدرت

۱. جستارهایی از تاریخ اجتماعی...، ص ۲۷۶-۲۷۷.

۲. همان‌جا.

۳. همان، ص ۲۷۳.

۴. همان، ص ۲۸۲.

۵. عباس اقبال (۱۳۴۰)، میرزا تقی‌خان / امیرکبیر، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۷۲.

۶. نک: حامد الگار (۲۵۳۶)، دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ص ۱۸۲؛ ظل‌السلطان (۱۳۶۸)، خاطرات ظل‌السلطان، ج ۱، سرگذشت مسعودی، به‌کوشش

لوطیان مستظهر بود.^۱

۴. یکی دیگر از دلایل حضور لوطیان در فرایندهای سیاسی، تشکیلات سازمان یافته آنان بود. لوطی‌ها عموماً به شکل گروه یا دسته‌هایی بودند که در رأس آن‌ها رهبری منتخب تحت عنوان «لوطی‌باشی» قرار داشت، مخصوصاً همین سازماندهی و تشکیلات منسجم و سرعت ارتباط آن‌ها، سبب می‌شد که خیلی زود بر امور سیاسی شهر مسلط شوند.^۲ بینینگ^۳ می‌نویسد: «این اشرار نوعی سازمان فراماسونری در میان خود دارند.»^۴ رهبران لوطی در بسیج نیروهای تحت امر خود بسیار موفق و سریع عمل می‌کردند. آن‌ها به جهت یک سلسله توانایی‌ها نظیر، شجاعت و بی‌باکی و سازماندهی و گاه جایگاه معنوی همواره می‌توانستند مطلوب و موضوع پیکارهای رقابت طلبانه سیاسی در حوزه جناح‌ها و ائتلاف‌های موجود شوند. در چنین اوضاعی مهم نیست که آنان از کدام جناح پشتیبانی می‌کنند یا کدام جناح آنان را بر می‌انگیزد یا به همکاری فرا می‌خواند، مهم این است که پشتیبانی آنان در تعیین پی‌آمد نبردهای سیاسی و نظامی بسیار تأثیرگذار بود.^۵

۵. به دلیل فقدان کارآیی نیروی نظمیه و پلیس و فقدان ادارات و مؤسسات دولتی از یکسو و حمل آزاد سلاح از سوی دیگر، و نیز بافت سنتی شهرها و حفاظت و حراست از محله و تعصب از افراد داخل جمعیت کوچه و محله، به لوطیان این توانایی را می‌داد که عملاً در بخشی از تحرکات و معادلات سیاسی به بازی گرفته شوند. این عوامل، موجبات شرارت‌های دائمی آنان را در پی داشت که بعضاً ابعاد وسیعی به خود

حسین خدیوچم، تهران: اساطیر، ص ۳۸۳؛ لسان‌السلطنه سپهر (۱۳۹۲)، سفرنامه و تاریخ اصفهان، به‌کوشش

حسن جوادی، تهران: ثریا، ص ۱۷۳؛ جستارهایی از تاریخ اجتماعی، ص ۲۸۳.

۱. جستارهایی از تاریخ اجتماعی، همان.

۲. عهد قاجار، ص ۱۴۹.

3. Binning

۴. پیتر آوری (به‌سرپرستی) (۱۳۸۷)، تاریخ ایران کمبریج، ج ۱۱، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی، ص ۵۸۸.

۵. تأثیر لوطی...، ص ۵۱-۵۰.

می‌گرفت. گزارش نظمیه تهران عصر ناصری از شرارت‌های دائمی محلات دولت، سنگلج، چهارسوق، بازار، نوروزخان، لاله‌زار، پامنار، به ویژه چاله‌میدان و عودلاجان خبر می‌دهند.^۱ در سایر شهرهای بزرگ نیز این روال ادامه داشت.^۲

۶. از آن جا که لوطی‌گری یک مرام سیاسی نبود؛ لذا نه آزادی‌خواهانه بود و نه دشمن آزادی، لذا عواملی چون وابستگی به محله، نوع شغل و حرفه ساکنان آن، گرایش‌های مذهبی و فرقه‌ای و نفوذ طیف‌های مختلف علما بر آن‌ها، لوطیان را در موقعیت‌های متفاوت، هواداری از مشروطه و یا مخالفت با آن قرار می‌داد.^۳ یکی از علت‌های مخالفت لوطیان چاله‌میدان و سنگلج با مشروطه‌خواهان، وابستگی محله‌ای به رهبران خود یعنی مقتدر نظام و صنیع حضرت بود.

لوطیان در حوادث مشروطه تهران

– دو رویکرد متفاوت لوطیان از مشروطیت

در دوره‌ی زمانی ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ ق شاهد دو جریان از فعالیت‌ها و تحرکات لوطیان در تهران هستیم. یکی هواداری از جنبش مشروطه و مجاهدین و دوم هواداران سلطنت. از لحظه‌ای که جریان مبارزات مشروطیت شکل گرفت؛ مبارزه میان هواداران مشروطه و دشمنان مشروطه نیز آغاز شد. در خلال این مبارزه، هر دو طرف به اعمال خشونت‌بار دست می‌زدند.^۴ در بسیاری از مواقع، عناصر لوطی و بزن‌بهادر بازوی قهریه آنان بودند.^۵ نیروهای سیاسی به مشارکت آنان نیازمند بودند. آنان افرادی بودند که از زد و خورد با

۱. گزارش‌های نظمیه از محلات تهران (۱۳۷۷)، راپورت وقایع مختلف دارالخلافه، (۱۳۰۳-۱۳۰۵ ق)،

ج ۱ و ۲، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، صفحات متعدد؛ جستارهایی از تاریخ، ص ۲۵۱.

۲. سعیدی سیرجانی (به‌کوشش) (بی‌تا)، وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق، تهران: نوین، ص ۶۹۸، ۳۸۹، ۱۵، ۱۱؛ حاج میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، ج ۱، تصحیح و تحشیه، منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر، ص ۲۲۹.

۳. مجاهدان مشروطه، ص ۶۰.

۴. همان، ص ۵۹.

۵. همان‌جا؛ تأثیر لوطی در انقلاب مشروطه، ص ۱۷.

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت ۱۰۱

حریفان روگردان نبودند و در به کارگیری سلاح بیش از پیشه‌وران و دکانداران معمولی تجربه داشتند. میزان تأثیرگذاری آنان در نتایج تحولات سیاسی، سبب شد نیروها و جناح‌های سیاسی برای جذب آنها وارد عمل شوند و طیف‌های گوناگون رهبران سیاسی و مذهبی درصدد جذب این نیروها، برای مقابله با مخالفان برآیند.

روز پس از جریان به چوب بستن حاج سیدهاشم قندی و تعطیلی بازار، در شوال ۱۳۲۴، جمع کثیری از مردم به دعوت آیت‌الله بهبهانی و برخی از علما در مسجد شاه گرد آمدند تا به فعالیت‌های دولت به‌ویژه اقدامات علاءالدوله؛ حاکم تهران، اعتراض کنند. در آن روز، حاج ابوالقاسم خویی؛ امام جمعه تهران، با حمایت لوطیان تحت فرمان خود به حمایت از دولت، آشوبی برپا کرد. لوطیان هوادار او سخنرانی سید جمال واعظ را برهم زده و تعدادی از هواداران مشروطه را مضروب ساختند. در مقابل نیز صدنفر از جوانمردان لوطی، سیدجمال را با هدایت آیت‌الله بهبهانی به خانه سیدمحمد طباطبائی بردند.^۱ به گزارش ناظم‌الاسلام در جریان مهاجرت سیدجمال‌الدین افجه‌ای، لوطیان هوادار او ضمن تیراندازی به نیروهای قزاق، سبب عقب‌نشینی آنان شدند.^۲ یکی دیگر از حوادثی که حضور طرفداران لوطی مشروطه‌خواه را می‌توان مشاهده کرد؛ حادثه دستگیری شیخ محمد واعظ است. در ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ در محله سرپولک، نیروهای دولتی به فرماندهی احمدخان، شیخ محمدواعظ را دستگیر کردند. طی درگیری‌ها، طلبه‌ای جوان به نام سیدعبدالحمید با گلوله تفنگ احمدخان رئیس قزاق‌ها کشته شد. قزاق‌ها نعش سید را به منظور جلوگیری از پیامدهای آن، با خود بردند تا مستمسکی به دست علما و اهالی نباشد.^۳ لذا یکی از لوطیان جوانمرد، به نام علی کوهی، با کمک عده‌ای از یارانش با

۱. یحیی دولت‌آبادی (۱۳۳۶)، *حیات یحیی*، ج ۲، تهران: ابن سینا، ص ۱۳؛ نادر رزاقی و ولی دین‌پرست، «نقش تهی‌دستان شهری... در انقلاب مشروطیت» مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۴، ش ۲، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۳۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۲، به اهتمام علی‌اکبر سعید سیرجانی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۸۳؛ *نقش تهی‌دستان...*، ص ۱۳۶.

۳. *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۲، ص ۱۳.

جسارت فراوانی ضمن تعقیب و درگیری با قزاق‌ها نعش سید را از آنان بازپس می‌گیرد و آن را به مسجد محل می‌رساند.^۱

در یکی از منابع آمده: «علی کوهکی که جوانمردی متعصب و عیار بود به قهر جسد را پس گرفت و آن را به مدرسه حاج ابوالحسن رسانید.»^۲ مخبرالسلطنه اشاره دارد که به هنگام مهاجرت علما به قم، تعدادی از جوانان سربولک و چاله‌میدان به عنوان نیروی گارد، در کنار آنها به قم رفتند.^۳ لوطیان سربولک تحت فرمان مهدی یوزباشی یا مهدی گاوکش، یکی از برجسته‌ترین لوطیان هوادار مشروطه، بودند. مهدی به واسطه روابط صمیمانه با بهبهانی، از مغضوبین و دشمنان عین‌الدوله محسوب می‌شد، آشکارا از سیاست‌های این رهبر مذهبی حمایت می‌کرد. به علت انتقادهای شدید از سیاست‌های عین‌الدوله، در لیست سیاه افرادی قرار گرفت که باید مجازات می‌شد. اوج شدت عمل علیه خانواده مهدی یوزباشی، نشان از نقش مؤثر این مرد در برخی حوادث سیاسی و اجتماعی آن دوره دارد. مهدی یوزباشی به هنگام مخالفت تمام عیار محمدعلی شاه و نیروهای استبداد با مجلس، از مدافعان مجلس بود؛ اما درخواست نمایندگان مجلس مبنی بر پراکندگی مدافعان مجلس، سبب سرخوردگی وی شد و با تریاک به زندگی خود خاتمه داد. کسروی درباره وی می‌نویسد: «و نخستین قربانی دورنگی نمایندگان او بود».^۴

لوطیان و حادثه میدان توپخانه در ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵

در رویارویی مشروطه‌خواهان و طرفداران استبداد، یکی از بارزترین حرکت‌های لوطیان هوادار سلطنت، ایجاد تحرکات و فجایعی در میدان توپخانه است. در ذی‌قعدة ۱۳۲۵، نزدیک به سیصد نفر از هواداران مسلح در حفاظت از مجلس حاضر بودند و مسجد و

۱. همان‌جا.

۲. اقبال یغمایی (۲۵۳۷)، سیدجمال‌الدین واعظ /صفهانی، با مقدمه سید محمدعلی جمال‌زاده و باستانی پاریزی، تهران: توس، ص ۳۳.

۳. مخبرالسلطنه (۱۳۶۲)، گزارش ایران قاجار و مشروطیت، به کوشش محمدعلی صوتی، تهران: نقره، ص ۱۷۱، نقش تهی‌دستان ...، ص ۱۳۶.

۴. تاریخ انقلاب مشروطه، ص ۵۸۸.

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت ۱۰۳

مدرسه سپهسالار در اختیار مشروطه‌خواهان بود و آنها بر عمارت‌های بهارستان که به لحاظ استراتژیک بسیار اهمیت داشت مسلط بودند.^۱ در جبهه مقابل، محمدعلی شاه و برخی روحانیون مخالف مشروطه، فعالیت‌هایی را جهت مقابله با مشروطه‌خواهان ترتیب می‌دادند. آنها ابتدا قصد تصرف عمارت‌های میدان بهارستان را داشتند؛ اما به دلیل مقاومت شدید هواداران مشروطه، در میدان توپخانه مستقر شدند.

مهم‌ترین مجری این تحرکات لوطیان بودند. این لوطیان بودند که روحانیون هوادار سلطنت را حتی به‌رغم میل باطنی آنها به میدان آوردند.^۲ از رهبران مهم لوطیان تهران در حوادث توپخانه و مشروطیت، دو چهره از دیگران مشهورترند. یکی خسروخان، معروف به مقتدر نظام، و دیگری سید محمدخان، معروف به صنیع حضرت. خسروخان در رأس لوطیان چال میدان بود. این دو تن در رأس لوطیان مسلح خود، ابتدا در جلوی مسجد سپهسالار و بهارستان رفته و قصد تصرف و برهم زدن مراسم مشروطه‌خواهان را داشتند؛ اما به علت مقاومت شدید مشروطه‌خواهان، به میدان توپخانه رفتند.^۳ لوطیان پس از استقرار در میدان توپخانه، چادرهایی در میدان برپا کردند و مخالفان را منسجم و سازماندهی کردند. منابع مشروطه‌خواه، از لجام گسیختگی‌های اخلاقی و اجتماعی آنان گزارش‌های فراوانی ارائه می‌کنند.^۴ دولت‌آبادی، اشاره دارد که: «شبه‌ها مشروب بسیار برای مشتیها و سردستگان اشرار حاضر می‌کنند و همه را سرمست خدمتگزاری بشاه می‌نمایند».^۵ بروز فجایعی چون آزار و اذیت مردم و ربودن اموال و دکاکین مردم — با وجود چهره‌های مشهور الواط نظیر سید هاشم سمسار، علی چراغ، اکبر بلند، علی خداداد، علی حاج معصوم، عباس کچل، آقاخان نایب اصطبل، حسین عابدین، حاج محمد علی

۱. حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲. تاریخ انقلاب مشروطه، همان؛ حیات یحیی، همان؛ مهدی قلی‌خان هدایت (۱۳۶۳)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار، ص ۱۶۱.

۳. صور اسرافیل، میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل (۱۳۶۱)، دوره کامل، رودکی، ش ۲۰، ص ۶؛ *روزنامه خاطرات*، ج ۱، ص ۱۸۸۴.

۴. همان‌جا؛ حیات یحیی، همان؛ *روزنامه حبل‌المتین*، پیشین، ش ۱۹۰، ص ۳؛ *صوراسرافیل*، ش ۲۰، ص ۷؛ *روزنامه صبح صادق* (۱۳۲۶)، ش ۲۱۹، ص ۲۱.

۵. حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۶۸.

قصاب، نادعلی قصاب و حاجی صفر قصاب که به قول صوراسرافیل کارد چاق کن توپخانه بودند - بعید نبود.^۱ در روز دوم در میدان توپخانه، جنایتی مهیب روی داد، در حین سخنرانی سیدمحمد یزدی، جوانی به نام عنایت الله در میان جمع سخنی گفت که بوی مخالفت داشت، برخی از لوطیان او را با قداره و قمه و کارد قطعه‌قطعه نمودند و بدنش را به دار آویختند.^۲

عملکرد توأم با خشونت لوطیان، دستاورد سیاسی برای مخالفان مشروطه دربر نداشت و آزار و اذیت یهودی‌ها، حمله به دفاتر روزنامه‌های حبل‌المتین، صوراسرافیل، مجلس، رهنما، جام جم و بلدیه و کشتن وحشیانه میرزا عنایت، سبب واکنش سیاسی نسبت به مسببین این حوادث شد. شدت ناامنی، حتی سبب واکنش دولت روسیه و انگلستان شد و آنان طی تماس مشترکی از شاه خواستند که رهبران لوطیان و اوباش را از میدان توپخانه به محل‌های خویش بازگردند.^۳ مداخله روس و انگلیس، عملکرد منفی و غیرقابل دفاع لوطیان شرو در توپخانه، مواضع اصولی هواداران مشروطه، شاه را موقتاً مجبور به مصالحه با مجلس کرد. کسروی می‌نویسد: «محمدعلی میرزا چون ناگزیر شد با مجلس آشتی کند این‌ها [لوطیان و برخی روحانیون طرفدار سلطنت] را زیر پا گزارده، لگدمال گردانید».^۴

مجازات لوطیان، اولین مجازات دوره مشروطه

واقعیت این است که در جریان میدان توپخانه، دست‌های آشکار و پنهان فراوانی وجود داشتند؛ اما ضرب و شدت عمل لوطیان، آنان را متهم ردیف اول این حوادث قرار داد. به‌طوری که در دو شماره ۱۹۵ روزنامه حبل‌المتین آمده: «خلاصه چون مراتب طغیان و عصیان آن اشرار به سر حد کمال رسید و به هیچ وجه دست برنداشته و امنیت را اخلال

۱. صور/سرافیل، همان.

۲. حیات یحیی، همان‌جا؛ صور/سرافیل، همان؛ حبل‌المتین، همان؛ تاریخ انقلاب مشروطه ایران، همان؛ صبح صادق، ش ۲۱۹، ص ۱.

۳. احد بشیری (به‌کوشش) (۱۳۶۳)، کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطه ایران، تهران: نو، ص ۴۸۷؛ نقش تهی دستان...، ص ۱۳۹.

۴. تاریخ انقلاب مشروطه، ص ۵۲۶.

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت ۱۰۵

می‌کردند و کابینه وزرا و عموم وکلا بلکه قاطبه ملت تنبیه و مجازات آنان را لازم و واجب شمردند.^۱ این عبارت نشانگر نقش پررنگ فعالیت‌های لوطیان است، به‌طوری که همه‌ی وکلای ملت و قاطبه‌ی مردم، خواستار مجازات آنان شدند. به‌دنبال آن جواد، جلودار مجلل‌السلطان، که از اشرار و لوطیان مشهور تهران بود، دستگیر شد و سپس اسماعیل سرهنگ و خسروخان مقتدر نظام و سیدکمال دستگیر شدند.^۲ اولین مجازات دوره مشروطه و شاید بهتر بگوییم دولت علیه لوطیان اعمال شد.

ابعاد مقابله با لوطیان از طریق وکلای مجلس، انجمن‌ها و ناطقین در محافل عمومی شدت بخشیده شد. به‌ویژه در آن اوان، قتل ارباب فریدون زردشتی که به هواداری از مشروطیت شهرت داشت را نیز به برخی از رهبران لوطی توپخانه نسبت داده بودند.^۳ در حکمی که در محکومیت لوطیان، صادر شده جرم آنان کاملاً سیاسی و امنیتی بوده و به عنوان یک هنجارشکنی ساده محسوب نمی‌شود. تشکیل انجمن لوطیان به رهبری آقابالاخان، که مرکب از هفتصد هشتصد نفر از لوطی‌های تهران، برای حمایت از استبداد و اقدام مشابه میرهاشم در تبریز در حمایت از محمدعلی شاه و اتحاد لوطیان جوانمرد به رهبری ستارخان و باقرخان در حمایت از مشروطه، خود نشانی از نقش کلیدی آنان است. به هر روی خسروخان مقتدر نظام، اسماعیل‌خان، سیدمحمدخان صنیع حضرت و سید کمال را در مقابل انجمن‌های مردمی و صدها تن از مردم، دو هزار شلاق زدند و سپس به کلات تبعید شدند.^۴

لوطیان در جریان به توپ بستن مجلس و حوادث پس از آن محمدعلی شاه طی یک سلسله اقدامات هماهنگ در ۱۵ جمادی‌الاول، توپ‌ها را در بیرون دروازه تهران جای دادند و بالاخره در ۲۳ جمادی‌الاول، در حالی که نمایندگان، مسلح شده بودند و نزدیک به ششصد نفر از آزادی‌خواهان از مجلس پاسداری می‌کردند؛ مجلس

۱. حبل‌المتین، ش ۱۹۵، ص ۴.

۲. محمد مهدی شریف کاشانی (۱۳۶۲)، *واقعات / اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران، ص ۱۵۸، حبل‌المتین، همان.

۳. *تاریخ انقلاب مشروطه*، همان‌جا.

۴. *حیات یحیی*، ج ۲، ص ۱۹۱.

را به توپ بست و نبردی سخت آغاز شد. ظاهراً طبق برنامه تدوین شده توسط لیاخوف، دستگیری مشروطه‌خواهان و غارت مجلس به اشرار (الواط) تهران سپرده شده بود.^۱ در مقابل، عده‌ای از لوطیان در صف مشروطه‌خواهان و مدافعان مجلس قرار داشتند. به گزارش برخی از منابع، یکی از لوطیان تهران، به نام سیدحسین، قصد داشت لیاخوف روسی را هدف گلوله قرار دهد؛ اما به درخواست ملک‌المتکلمین به‌منظور جلوگیری از بهانه‌تراشی روس‌ها مانع این اقدام شد.^۲ حتی مدافعین مجلس که غالباً مسلح به اسلحه سرد از قبیل خنجر، قمه و قداره بودند؛ چندین بار به توپخانه لیاخوف هجوم آوردند حتی خود را تا پانزده قدمی توپ‌ها نیز رساندند؛ ولی آتش توپخانه آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد.^۳ خوش‌خدمتی بخشی از الواط و اشرار تهران به کودتا و نیز اهمیت لوطیان در حفظ نظام استبداد، سبب شد مقدمات بازگشت رهبران لوطی از کلات زودتر فراهم شود و در تاریخ یکشنبه ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶، یعنی نوزده روز پس از به توپ بستن مجلس، لوطیان تبعیدی به اشاره محمدعلی شاه، با شکوه تمام وارد تهران شدند.^۴ به‌جز لوطیان هوادار مقتدر نظام و صنایع حضرت به‌ویژه لوطیان چاله میدان و سنگلج، نیروهای نظامی و برخی از چهره‌های مذهبی نیز به استقبال آنان رفتند. در واقعات اتفاقیه آمده: «از جانب دولت، قزاق و سوار ژاندارمری و سرباز و یدک و درشکه فرستاده شد... آقا شیخ محمود ورامینی هم با جمعیت زیاد استقبال کرد». ^۵ نقش پررنگ این دو چهره با نفوذ لوطی در میان سیل لوطیان، سبب شد که تعداد زیادی از این گروه به استقبال آنها شتابند: «مشهدیها و الواط طهران تماماً استقبال ایشان رفتند و در کمال جلال در کالسکه‌های دولتی آنها را وارد کرده

۱. نقش تهی دستان ...، ص ۱۴۱؛ مهدی ملک‌زاده (۱۳۸۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۳، تهران: سخن، ص ۷۹۳-۷۷۵؛ *واقعات اتفاقیه*، ج ۱، ص ۱۹۳، ۱۹۱؛ روزنامه ایران نو (۱۳۲۷)، ش ۱۵، ص ۲؛ پاولویچ، م و دیگران (۱۳۵۷)، *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه م. هشیار، تهران: امیرکبیر، ص ۱۱۴.

۲. *روزنامه خاطرات*، ص ۲۲۱؛ *تاریخ انقلاب مشروطه ایران*، ج ۴، ص ۷۵۰.

۳. *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه*، ص ۱۱۱.

۴. *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۴، ص ۱۳۷۱.

۵. *واقعات اتفاقیه*، ص ۱۹۸.

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت ۱۰۷

به حضور شاه بردند»^۱ پس از ورود لوطیان به تهران، آنها را نزد شاه بردند و به پاس خدمات شایان این افراد به شاه، مقتدر نظام و صنیع حضرت را منصب امیرنویانی و نایب اسماعیل را منصب سرتیپی و سیدکمال را لقب ناصر حضوری دادند و به شیخ محمد، عصای مرصع و لقب ناصرالاسلامی مرحمت شد.^۲ مهم‌ترین کارکرد لوطیان سلطنت‌طلب طی دوره‌ی استبداد صغیر، ایجاد رعب و ترس در دل مردم و مشروطه‌خواهان بود. شاه و درباریان به منظور بسیج لوطیان و تطمیع آنان، بخشی از سلاح‌های قورخانه را با قیمت‌های نازل به فروش رساندند تا بتوانند پول لازم را در اختیار لوطیان قرار دهند.^۳

در روز ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷، لوطیان هوادار صنیع حضرت، جوان عکاسی به نام رضا را به جرم عکس گرفتن از صنیع حضرت به هنگام چوب خوردن، هدف گلوله قرار دادند.^۴ در این روزها، شهر در قبضه لوطیان بود.^۵ در واقع لوطیان با پشتیبانی دربار و رهبری صنیع حضرت و مقتدر نظام با اسب و ده تیر و انواع سلاح مجهز به خیابان آمده بودند.^۶ صنیع حضرت تمام بهارستان و پشت بام‌های اطراف را در اشغال خود داشت و سیداسماعیل، منزل صنیع حضرت را به عنوان یک پایگاه و سنگر قرار داده بود و مقتدر نظام و سنگلجی‌ها در محلات خود آماده دفاع بودند.^۷

با ورود مجاهدین، زد و خوردهای شدیدی بین لوطیان سلطنت‌طلب و مجاهدین روی داد؛ اما مقاومت آنان در هم شکست. ظاهراً مقتدر نظام در آستانه سقوط تهران، با مجاهدین گیلان توافق کرد مقداری اسلحه دولتی از شاه گرفته و عهده‌دار دفاع یکی از

۱. سیداحمد تفرشی حسینی (۱۳۵۱)، *یادداشتها*، به‌کوشش ایرج افشار، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، تهران: امیرکبیر ص ۲۷۲.

۲. همان‌جا.

۳. نقش تهی دستان شهری...، همان.

۴. ایران نو، ۱۳۲۷، ش ۱۷، ص ۴؛ *روزنامه خاطرات*، ج ۳، ص ۲۶۰۷؛ *روزنامه خاطرات مشروطیت...*، ص ۲۰۸.

۵. همان‌جا.

۶. *روزنامه خاطرات*، ج ۳، ص ۲۵۸۱-۲۶۰۰؛ ادوارد براون (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهدی قزوینی، تهران: کویر، ص ۲۹۵.

۷. *روزنامه خاطرات مشروطیت...*، ص ۲۱۴؛ *واقعات / اتفاقیه در روزگار*، ج ۲، ص ۳۷۲.

دروازه‌ها شود و هنگام ورود مجاهدین، دروازه را برای آنان باز کند که چنین نیز شد.^۱ به همین دلیل پس از فتح تهران امان یافت. در جریان پارک اتابک، ستارخان در خانه خسروخان مقتدر نظام بود و به واسطه او، نامه‌ای به صمصام‌السلطنه فرستاد.^۲ نوچه‌ها و اطرافیان صنیع حضرت با وعده امنیت خود و خانواده‌هایشان، از اطراف صنیع حضرت پراکنده شدند و او نیز تسلیم مجاهدین شد. سرانجام در روز پنجشنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۷ در میدان توپخانه، پس از قرائت فتنه و فسادها و قتل نفوسی که انجام داده بود به دار آویخته شد.^۳ برخی از لوطیان معروف تهران، نظیر سیدکمال - که از مدتی پیش از فتح تهران با وساطت افرادی چون صدرالعلما از جبهه استبداد خارج شده بود - به قره داغ و به رحیم‌خان پناه برد و بعدها به تهران بازگشت.^۴ برخی از لوطیان تهران در درگیری مسلحانه در مسجد سیهسالار به ضرب گلوله مجاهدین از پای درآمدند. برخی نیز خلع سلاح و آزاد شدند.

۱. عبدالحسین نوایی (۱۳۳۶)، *فتح تهران، گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت*، تهران: بابک، ص ۴۲، نقش تهیدستان شهری...، ص ۱۴۳.

۲. سید احمد کسروی (۱۳۷۶)، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر، ص ۶۵.

۳. *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۵، ص ۵۲۹؛ *روزنامه اخبار مشروطیت*، ص ۲۲۱؛ *واقعات اتفاقیه در روزگار*، ج ۲، ص ۳۷۶.

۴. *روزنامه ملت*، ۱۳۲۶، ش ۳۶، ص ۲؛ *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، ص ۶۵؛ *نقش تھی دستان شهری...*، ص ۱۴۴.

نتیجه

برخی از پژوهشگران، لوطیان را تداوم فرهنگ ریشه‌دار عیاری و قنوت دوره اسلامی می‌دانند که در دوره قاجار، تا حدود زیادی این سنت دیرپا به انحطاط و زوال کشیده شده بود. در جامعه سنتی قاجار، لوطیان، وظایف و کارکردهای گوناگون نظیر حمایت از حملات و حفظ امنیت اهالی، ایجاد نظم و حمایت از ضعفا و محرومان و برپایی مراسم مذهبی و عزاداری امام حسین(ع) را برعهده داشتند، که به دلایل تحولات اجتماعی و اقتصادی به مرور این کارکردها کم‌رنگ و یا در برخی از مواقع، به دلیل ساخت فاسد حکومت و تشکیلات حکومتی و ظلم و بی‌عدالتی تبدیل به کزکارکرد شده بود.

لوطیان در آشوب‌های عصر قاجار به ویژه انقلاب مشروطیت ایران، نقش بسیار فعال و چشمگیری داشته و لوطیان تهران نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. در جریان انقلاب مشروطه، لوطیان تهران به دو گروه تقسیم شده بودند، گروهی به مجاهدین و مشروطه‌خواهان پیوستند؛ زیرا در سنت لوطیان اعتقاد به عدالت، ریشه‌ای دیرپا داشت؛ گروهی دیگر نیز به سلطنت‌طلبان. واقعیت این است که قاطبه لوطیان، به‌جز معدودی فاقد بینش سیاسی و اجتماعی عمیق بودند؛ اما به دلیل جسارت و شجاعت ذاتی و تشکیلات سازمان یافته، جناح‌های سیاسی برای رویارویی با مخالفان و درهم کوبیدن جناح‌های مخالف به مشارکت آنان نیازمند بودند. آنان افرادی بودند که از زد و خورد با حریفان روگردان نبوده و در فنون به کارگیری از سلاح بیش از پیشه‌وران و سایر افراد معمولی تجربه داشتند. لوطیانی که جذب سلطنت‌طلبان و روحانیون مشروطه‌خواه شدند؛ به عنوان بازوی اجرایی و تبلیغاتی اصحاب قدرت، سخت‌ترین دشمنی‌ها را با هواداران مشروطه به راه انداختند.

منابع و مأخذ

- آوری، پیترو (به سرپرستی) (۱۳۸۸)، *کمبریج، تاریخ ایران در دوره افشاریه، زند و قاجار*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۸۲)، *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مشهد: مرنديز - بامشاد.
- اقبال، عباس (۱۳۴۰)، *میرزاتقی خان امیرکبیر*، تهران: دانشگاه تهران.
- الگار، حامد (۲۵۳۶)، *دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۶۸)، *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه رو*، تهران: اختران.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز، سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۳۸)، *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران: کانون معرفت.
- بشیری، احد (به‌کوشش) (۱۳۶۳)، *کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطه ایران*، تهران: نو.
- _____ (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهدی قزوینی، تهران: کویر.
- پاولویچ، م و دیگران (۱۳۵۷)، *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه م. هشیار، تهران: امیرکبیر.
- پولاک، یا کوب ادوارد (۱۳۶۱)، *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- ترکمنی آذر، پروین و پرگاری، صالح (۱۳۷۸)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان*، تهران: سمت.
- تفرشی حسینی، سیداحمد (۱۳۵۱)، *یادداشتها، به‌کوشش ایرج افشار*، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، تهران: امیرکبیر.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۸)، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه بهرننگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نی.
- حاج سیاح (۱۳۴۶)، *خاطرات یا دوره خوف و وحشت، به‌کوشش حمید سیاح*، تصحیح سیف‌اله گلکار، تهران: ابن‌سینا.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷)، *فارسنامه ناصری*، ج ۱، تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر.

لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت ۱۱۱

- دوکوتزبوئه، موريس (۱۳۴۸)، *مسافرت به ایران*، ترجمه محمود هدایت، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۳۶)، *حیات یحیی*، ج ۲، تهران: ابن‌سینا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- رزاقی، نادر و ولی دین‌پرست، «نقش تهی‌دستان شهری و لوطیان و جهال در تهران در انقلاب مشروطیت» تحقیقات تاریخی اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۴، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۰-۱۲۵.
- ریتز، جرج (۱۳۸۲)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: امیرکبیر.
- سعیدی سیرجانی (به‌کوشش) (بی‌تا)، *وقایع اتفاقیه*، مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری، تهران: نوین.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- شهری، جعفر (۱۳۶۸)، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، ج ۲، تهران: رسا.
- صدیق سروستانی و دیگران (۱۳۷۳)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی*، تاریخچه جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- ظل‌السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۸)، *خاطرات ظل‌السلطان*، ج ۱، سرگذشت مسعودی، به‌کوشش حسین خدیو جم، تهران: اساطیر.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا، سالور (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات*، ج ۱، ۳، تهران: اساطیر.
- فتحی، اصغر، «تأثیر لوتی‌ها در جنبش مشروطیت ایران» ترجمه رسول عربخانی، نامه تاریخ پژوهان، س ۶، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۵۲-۳۳.
- فریزر، جیمز (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کسروی، سیداحمد (۱۳۷۶)، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گزارش نظمیه از محلات تهران (۱۳۷۷)، *راپورت وقایع مختلف دارالخلافه*، (۱۳۰۵-۱۳۰۳ ق)، دو مجلد، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

۱۱۲ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۴

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *جامعه شناختی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لمبتون، آن. ک. س (بی تا)، *نگرشی بر جامعه اسلامی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- مارتین، ونسا (۱۳۹۰)، *عهد قاجار، مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: ماهی.
- مخبرالسلطنه، هدایت (۱۳۶۲)، *گزارش ایران قاجار و مشروطیت*، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجار*، ج ۱، تهران: کتاب، هرمس.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- ملک المورخین، عبدالحسین خان لسان السلطنه سپهر (۱۳۹۲)، *سفرنامه و تاریخ اصفهان*، به کوشش حسن جوانمردی، تهران: ثریا.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۸۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۳، تهران: سخن.
- نادر میرزا (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: ستوده.
- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۳۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، بی جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۰)، *طهران عهد ناصری*، تهران: عطار.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء) (۱۳۷۵)، *فرهنگ نفیسی*، تهران: خیام.
- نوایی، عبدالحسین (۲۵۳۶)، *فتح تهران، گوشه هایی از تاریخ مشروطیت*، تهران: بابک.
- هدایت، مهدی قلی خان (۱۳۶۳)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹)، *دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی.
- یغمایی، اقبال (۲۵۳۷)، *سیدجمال الدین واعظ اصفهانی*، با مقدمه سیدمحمدعلی جمال زاده، باستانی باریزی، نگارش و تدوین اقبال یغمایی، تهران: توس.
- روزنامه انجمن (۱۳۲۶)، ش ۴۳.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷)، ش ۱۵.
- روزنامه حبل المتین (۱۳۱۱) بزرگداشت سالگرد مشروطیت، تهران، دانشگاه تهران، ش ۱۹۰.
- روزنامه صبح صادق (۱۳۲۶)، ش ۲۱۹.
- روزنامه صور اسرافیل (۱۳۶۱)، دوره کامل، ش ۲۰.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۴)، ش ۱۵۳.
- روزنامه ملت (۱۳۲۶)، ش ۳۶۰.

لاتین:

- Lambton, A. K. S, (1945), *Islamic society in Persia*, Oxford.
- <http://fa.wikipedia.org/wiki/%22Luti%22> Encyclo pedia iranica, (2010-3-15) Retricvedo, 2014.
- Books. Google.com/book?id=07t.
- Martin Vanesa, (2005), *the gajar pact: Beginning protest and the state, in nineteenth century Persia*.
- Boinin, Michael and keddie, Niki, (1981), *Modern Iran*, the dialectics of continuity and change, published by university of New york press, p.83.
- Perkins: 1843 A residence of eight years in persia among the Nestorian etc and over.